

صلح و جنگ افغانستان در تارخام بسته شده است . م. ع. اطراف

علت اساسی آن در این امر نهفته است که ما تا هنوز درک و تشخیص درست از برادر، از دوست و از دشمن نداریم در ابهام و تاریکی بسر میبریم. خود را از بیگانه، دشمن را از دوست و دوست را از دشمن تفکیک کرده نمیتوانیم. به قاتلان مردم و تخریب کاران افغانستان پوشش برادران ناراضی و مخالفین سیاسی دادن یک برداشت غلط، یک اشتباه جبران ناپذیر و جفای بزرگی در حق شهیدانی میاشد که از جانب طالبان به شهادت میرسند و یا رسیده باشند. روی همین علت است که ما در امر صلح و جنگ مسئولانه عمل کرده نمیتوانیم، دو دله میثویم و تصمیم قاطع هم گرفته نمیتوانیم.

علت دوم آن در این امر نهفته است که بین برداشت ها و خواستههای مردم و دولت مردان افغانستان تفاوت های فاحش وجود دارد. مردم کسان و گروه های را که مردم مظلوم ما را به هر بهانه ای بقتل میرسانند قاتلان، جنایت کاران و دشمنان مردم میدانند اگر افغان باشند یا خارجی و یا از هر قوم و تباری که باشند. خطاب کردن برادران ناراضی و مخالفین سیاسی به افغانهای که به دستور دشمنان افغانستان مردم ما را بقتل میرسانند و افغانستان عزیز ما را نا امن و تخریب مینمایند بجز از مخدوش ساختن اذهان مردم و آب را به آسیاب دشمنان کشور انداختن چیزی دیگری بوده نمیتواند.

اما هر دو رئیس جمهور افغانستان طالبان را دشمن نمیدانند، آنها را برادران ناراضی و مخالفین سیاسی میدانند. از هر دو رئیس جمهور افغانستان پرسیده میشود، اگر طالبان خدا نخواستہ اولادها و اعضای فامیل های شما را بقتل برسانند باز هم آنها را برادران ناراضی خطاب میکنید و یا تغیر موضع میدهید. فاجعه و جنایاتی را که طالبان در شهر قندوز علیه مردم عادی و مظلوم قندوز مرتکب شدند و جدان هر افغان و طندوست را تکان داده که موجب خشم و غضب تمام مردم در سراسر افغانستان شده است. در قدم اول مقدمه این جنایات زمانی از جانب دشمنان افغانستان طراحی شده بود که صدها ترورست از ما و رای خط دیورند زریعه سرویس های مسافر بری به سمت شمال افغانستان انتقال داده میشد. با وصف پرسش های مردم در مسیر راه، که این مسافرین ناخوانده، کی ها هستند! برای چه آمده و کجا میروند که سرویس هایشان در مسیر راه تفتیش و بازرسی نشده و نمیشوند. دریوران میگفتند که اینها فرشته های کار هستند که برای کار آنها را آورده ایم. سرانجام همین فرشته های کار در شهر قندوز مانند سمارق ها رویدند، سرو قد بلند کردند و فاجعه آفریدند.

شما آقایون کرزی و اشرف غنی در نقش رئیس جمهور حیثیت پدر ملت را دارید آنچه به خود و فامیل های تان روا میدارید به مردم و رای دهنده گان تان نیز روا بدارید. شما بحیث سرقومندان اعلی د فاع از وطن مکلفیت داشتید و دارید که از قوای مسلح، سربازان، جان و مال، امنیت، ناموس مردم، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور تان دفاع نمایید. نگذارید به ترورستان و قاتلان مردم افغانستان تحت شعار امنیت و مصالحه، پناه گاهای امن داده شود. تا زمانیکه توافق عمومی صلح بین جناح های درگیر جنگ امضاء نشده باشد. و آتش بس سراسری برقرار نشده باشد و طالبان سلاحهای شان را بزمین نگذاشته باشند، دادن چنین امتیازات یکجانبه و حاتم بخشی های منطوقی آب را به آسیاب بازیگران داخلی، منطوقی و فرا منطوقی میریزد که میخواهند مناطق سمت شمال افغانستان را بحیث مراکز ترورستی و تخته خیز بسوی کشورهای آسیای میانه، ایران، روسیه و چین تبدیل و استفاده نمایند. مردم سمت شمال را از خانه های شان فرار داده جای و خانه های شان را ترورستان اشغال نمایند. در چنین پروژ و برنامه ای ننگین داخلی، منطوقی و فرا منطوقی تمام اقوام باهم برادر افغانستان که در مناطق شمال کشور زندگی می نمایند بیشترین تلفات و خسارات را متحمل شده و میشوند.

از جانب دیگر چنین حاتم بخشی ها در دند غوری در اذهان مردم و نیروهای امنیتی در سمت شمال یک انگیزه ی کاذب را خلق و ایجاد کرده بود که گویا رئیس جمهور افغانستان با اعزام یک هیئت عالی رتبه دولتی تحت ریاست گلاب منگل وزیر سرحدات افغانستان با طالبان در دند غوری تفاهم نامه صلح و ثبات را امضاء کرده که باعث اغواء و اغفال مردم و ارگانهای امنیتی کشور در ولایات بغلان و قندوز شد که درجه تهدید و خطر طالبان را در بین مردم و ارگانهای امنیتی به حد اقل آن کاهش داده بود که بالای تدابیر امنیتی سربازان دفاع از وطن تأثیرات منفی بجا گذاشته بود. مسئولیت آنرا اعزام کننده گان و هیئت اعزامی در دند غوری باید بپذیرند.

علت سوم آن عدم مدیریت سالم جنگ و صلح در افغانستان میباشد که مسئولیت آن متوجه دولت مردان افغانستان میباشد. دولت مردان افغانستان کمتر متوجه تقویت و پیروزی نیروهای دفاعی و امنیتی کشور در جنگ میباشد که در اثنای به محاصره گرفتن سربازان دفاع از وطن توسط دشمن، به درخواست های شان مبنی بر ارائه کمک های عاجل و بموقع پاسخ داده نشده و پیسته های امنیتی و دفاعی سقوط کرده رفت و سربازان کشته شدند و سلاحهای شان به یغما برده شد. دولت مردان افغانستان بیشتر متوجه صلح با طالبان هستند تا هرچه زود تر آنها را در بدنه دولت سهیم بسازند که یک عده قابل ملاحظه شان در ارگانهای دولتی از قبل در مرکز و ولایات مقرر و جابجا شده اند تا رضایت برادران ناراضی و گروههای اسلام افراطی را فراهم بسازند به امید اینکه آنها

از جنگ دست بردار میشوند که به احتمال قوی یک خواب و خیال است. زیرا طالبان و داعش امارت و خلافت مطلق اسلامی میخواهند که از جانب بازیگران داخلی، منطقوی و فرا منطقوی برای اهداف خاص شان درخفا تشویق و حمایت میشوند که به ادامه جنگ در افغانستان و به خاطر پیشروی تروریسم بسوی شمال و غرب افغانستان و ماورای سرحدات افغانستان طراحی شده است.

موضوع حساس دیگری که سوال برانگیز شده است نفوذ جاسوسان دشمن در ارگانهای امنیتی کشور، مقامات بلند رتبه دولتی و سایر ارگانهای فرهنگی، دینی و مذهبی میباشد که در رسانه ها وسیعاً به نشر رسیده و افشاء گریها همچنان ادامه دارد که امنیت و موجودیت افغانستان مستقل را به چالش ها و تهدیدات شکننده و مخاطره آمیز مواجه ساخته است که موجب تشویش و نگرانی های افغانها در داخل و خارج کشور شده است. با وصف افشاء اسماء یکتعداد افراد متهم به جاسوسی، دولت وحدت ملی تا بحال نتوانسته و یا نخواسته که موضوع را تعقیب و دنبال نماید تا معلوم میشد که عمق جاسوسی چقدر وسیع است و چه قدر به امنیت و حاکمیت ملی افغانستان صدمه رسانیده و میرساند. باید معلوم شود که اتهامات وارده حقیقت دارد و یا اینکه صرف یک اتهام است. دولت وحدت ملی اگر موضوع را دنبال و تصفیه نه نمایند، سایه آن بالای مقامات تصمیم گیرنده نیز افکنده خواهد شد که بارسنگین اتهامات را بین شان تقسیم خواهند کرد که باید مسئولیت آنرا نیز بعهده بگیرند.

موضوع مهم دیگری که به جبهه صلح و جنگ در افغانستان صدمه رسانیده فرار سربازان از جبهه جنگ میباشد. همچنان فرار و مهاجرت جوانان و فامیل ها به خارج از کشور بخصوص بسوی کشور های اروپایی میباشد که تعداد قابل ملاحظه شان در مسیر راهای دشوار زمینی و بحری جانهای شان را از دست داده و میدهند. تا زمانیکه علل این فرارها و مهاجرت ها معلوم و تثبیت نشود و برای حل آن تدابیر و تصمیم لازم گرفته نشود جریان فرارها و مهاجرت ها همچنان ادامه خواهند یافت، امنیت و ثبات هم در افغانستان اعاده نخواهد شد. علت فرار سربازان افغان از جبهه جنگ در این حقیقت نهفته است که سربازان به قیمت زندگی شان با طالبان میجنگند در مقابل روئسای جمهور افغانستان در خفا با طالبان زد و بند دارند که طالبان را برادران ناراضی و مخالفین سیاسی میدانند با وصف آیدیولوژی عقب گرا و عمل جنایات آمیز طالبان، میخواهند آنها را در بدنه دولت سهیم بسازند. در فکر زندگی و پیرزوی سربازان خود نیستند طوری که در عمل دیده میشود و تجربه شده است. توزیع هزارها پاسپورت در یک روز برای مهاجران و فراریان از افغانستان ن موئید این حقیقت است که دولت افغانستان زمینه را برای فرار شان سهل تر ساخته است تا بصورت جمعی به فرار و مهاجرت های مرگبار اقدام نمایند. اینکه در عقب سهل سازی های توزیع پاسپورت به فراریان و مهاجرین چه راز های پنهانی نهفته است قابل تأمل میباشد.

کشورهای اروپایی و سایر کشورها که به نیروی کار نیاز دارند مهاجرین را با هزارها مشکل می پذیرند. ایکاش اتحادیه اروپا

سهمیه مهاجرین از کشورهای جنگ زده افغانستان، عراق و سوریه را از قبل تعیین میکردند تا مهاجرت ها رسمی و آبرومندانه صورت میگرفت که از رنجها و تلفات عظیم مهاجرین در مسیر راه های دشوار زمینی و بحری و بحران مهاجرت ها در اروپا کاسته میشد و این جنگ زدگان توهین و تحقیر نمیشدند.

تقسیم جامعه افغانی به دو طبقه یک فیصد ها و نود و نه فیصد ها علت دیگرست که باعث بی عدالتی، فرارها و مهاجرت ها شده است. یک فیصد ها قدرت دولتی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دینی، امنیتی، اداری و استخباراتی را در اختیار دارند که با قدرت های استعماری حامی یک فیصد ها در سازش هستند. همه امتیازات دولتی را در انحصار خود شان گرفته اند. حتی مدیریت ادارات و شعبات دولتی رابه اولادها، خویشاوندان و دوستان شان در انحصار گرفته اند. همه کمک های ملیارد دلاری بین المللی را بغارت بردند. به طبقه نود و نو فیصد ها در وطن شان هیچ موقع نداده بیکار، دربدر و سرگردان میگردند. آنها را در وطن شان بی وطن ساخته اند که از وطن آبایی شان فرار مینمایند. نو کیسه های یک فیصد، همین قدر شعور و احساس هم ندارند که درک نمایند که بدون رضایت و حمایت نود و نه فیصد ها که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند بساط خلوت و حاکمیت شان را از دست خواهند داد. روزی فرا خواهد رسید که یک فیصد ها از کشور فرار خواهند کرد.

موضوع مهم دیگری که صلح و جنگ افغانستان را آسیب پذیر ساخته، نبود برنامه، راه کار و راه برد مشخص تأمین صلح و پیروزی در جنگ میباشد که پیروزی دولت رادر جنگ و صلح به چالش کشانیده است.

سنت اندیشی و کهن اندیشی در جامعه افغانی بحیث فرهنگ جامد، جامعه ما را فرا گرفته که امور مهم اجتماعی، سیاسی و دولتی، جنگ و صلح همیشه به بزرگان و کهن سالان که زندگی شان به گذشته ها پیوند دارد راجع ساخته میشوند تا در باره آنها تصمیم اتخاذ نمایند. از آنجا که کهن سالان کمتر به آینده امید وار هستند. بر علاوه کهن سالان بصورت طبیعی با ضعف نیروهای دماغی و جسمانی رو برو هستند و با معرفت، علم و دانش عصر حاضر کمتر دست رسی دارند که تحرکات کهن سالان را در امر صلح بطی و متأثر ساخته است که به دست آوردهای شان در امر صلح تأثیرات منفی به جا گذاشته است.

اگر به جوانان در شورای عالی صلح نقش فعال داده میشد خلای کهن سالان رادر عمل پر میکردند. جوانان که آینده ساز کشور هستند و زندگی شان به آینده پیوند دارد میتوانند مبارزه عملی را علیه آیدیولوژی افراطی اسلامی با امید به آینده و با متانت سازمان دهی مینمودند در آن صورت نتایج ملموسی بدست میامد.

جوانان میتوانند کارهای مؤثری را در پاک سازی اذهان بنیاد گرایان که در سایت های انترنت فعالیت دارند انجام دهند. با علمای وزارت حج و اوقاف و علمای شورای عالی صلح به مساجد میرفتند تبلیغات و خطابه های خطیبان مساجد را می شنیدند که افراط گرایی را تبلیغ مینمایند و یا صلح و همزیستی مسالمت آمیز را. به مدارس طالبی میرفتند نصاب تعلیمی شان را تفتیش و نظارت میکردند. همچنان سوابق مدرسین شان را جستجو میکردند که از کدام مراجع و مناطق علوم اسلامی را فرا گرفته اند و به کدام گروه های افراطی وابستگی دارند چه مطالب را در مدارس تدریس مینمایند. تا زمانیکه مراکز و مدارس سنتی تربیه بنیاد گرایان و افراط گرایان اسلامی همچنان به وضع و حالت فعلی ادامه داشته باشد طالبان نوآموزان مدارس فارغ میشوند و به صفوف طالبان می پیوندند. از طریق جنگ ناممکن است که ترورستان اسلامی را شکست داد.

یگانه سلاح شکست ناپذیر طالبان و ترورستان اسلامی در جنگ، سلاح آیدیولوژیک شان است که به خاطر آن جانهای شان را از دست میدهند تا به هدف جنت فردوس برسند و رضایت با داران شان را نیز برآورده بسازند. در برابر این سلاح کورکننده نمیتوان با جنگ فایق آمد. برای خلع سلاح آیدیولوژیک طالبان و ترورستان اسلامی باید در مراکز تعلیمی و مدارس طالبی در نصاب تعلیمی شان احکام اسلام واقعی و علوم ساینس که قوانین تنازع بقای مخلوقات خداوند است شامل ساخته میشود تا عقل و درایت بر احساسات و کوراندیشی ها در اذهان طالبان غلبه میکرد و جلورادیکالیزم شدن طالبان گرفته میشود. باید تبلیغات طالبان و افراط گرایان اسلامی در مدارس، منابر و مساجد تحت کنترل و نظارت دولت، جامعه مدنی و شورای عالی صلح قرار میداشت تا پیروزی صلح در تخیرو پاک سازی اذهان طالبان جستجو میگردید نه در میدان جنگ. جنگ های نیابتی گوریلابی سالها دوام میکند.

هموطنان عزیز و گرامی!

در دور اول انتخابات ریاست جمهوری دوکاندید داکتر، اکثریت آرای شمارا بدست آوردند که ۵۰+۱ را پوره کرده نتوانستند. انتخابات به دور دوم کشانیده شد. فساد و تقلبات گسترده مشروعیت انتخابات را به چالش کشانید که به میانجی گری وزیر خارجه امریکا و جور آمد و تفاهم سیاسی هر دو داکتر انجامید. اگر هر دو داکتر با هم کنار میامدند و دولت وحدت ملی واقعی را تشکیل میدادند قوی ترین دولت در تاریخ افغانستان میبود که صد در صد آرای شفاف مردم را مشترکن با خود داشتند. وحدت نظر و عمل رئیس جمهور و رئیس اجرائیه، دولت وحدت ملی واقعی را شکل میدادند که با پالیسی جهانی امریکا در تناقض قرار داشت که امریکا از دولت های ملی در جهان حمایت نمی نماید. افغانستان از این امر مستثنی بوده نمیتواند.

امضاء کورکورانه پیمان امنیتی با امریکا دست و پای ما را بسته کرده آزادی عمل ما در انحصار گرفته شده و افغانستان را در انزواء کشانیده. بیرون رفت از این وضع نا امید کننده پیش بینی میشود. سرنوشت کشور ما بسوی غبارها و تاریکی ها لنگان لنگان

حرکت می نماید از فاصله های دور هم روشنائی دیده نمیشود. در اختلافات داکتران اشرف غنی و عبدالله عبدالله فشارهای خارجی کم پنداشته نشود.

تعجب آور است که در شرایط کنونی جنگ و نا امنی نظریات و دیدگاهها در باره صلح و جنگ افغانستان از زاویه های مختلف در رسانه ها پخش میشود که عمق اختلافات را در جامعه ما منعکس میسازد که به هیچصوت به نفع صلح و امنیت در جامعه ما بوده نمیتواند. اگر قضایای صلح و جنگ افغانستان از زاویه منافع و مصلح ملی و خواستهای اکثریت مردم افغانستان مطرح شود که از وجایب شخصیت های ملی و وطن دوستان میباشد که همه ما را به دیدگاه و نتیجه واحد میرساند که برای حصول آن همه با هم متحد شویم و طن و مردم خود را نجات بدهیم.

زنده و پاینده باد افغانستان عزیز. پیروز باد مردم افغانستان. سر نگون باد خائنین ملی و دشمنان افغانستان. من الله توفیق. ۹ اکتوبر ۲۰۱۵